

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاه چشمان او

برگ سبزی تقدیم به پیشگاه بزرگ بانوی عالم اسلام،
حضرت زهرا (س) الگوی صبر، عزت و اقتدار، حضرت زینب (س)
عموم شیرزنان جهان تشیع به ویژه بانوان از جان گذشته و فداکار ایران
اسلامی که به فرموده رهبر معظم انقلاب در تغییر مسیر تاریخ و کشور
نقشی شایسته ایفا کرده‌اند.
راد زنانی که در این مسیر پر رمز و راز، تماشاچی نبودند؛
مردانه قدم در میدان عمل نهادند و در نقش معماران ایران جدید ظاهر
شدند.

سرشناسه: انیسی، فریبا، ۱۳۴۵

عنوان و نام پدیدآور: سیاره چشمان او / تدوین و نگارش فریبا انیسی

مشخصات نشر: اراک: ستارگان سرزمین آفتاب ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۰۷-۱۹-۸

فروست: حماسه سازان زینبی

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتاب حاضر با حمایت کنگره ملی نقش امام خمینی (ره) در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی و اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان مرکزی و مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه روح الله استان مرکزی منتشر شده است.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- زنان -- خاطرات

موضوع: Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Women -- Diarries

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات

موضوع: Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Personal narratives

موضوع: همسران جانبازان -- ایران -- خاطرات

موضوع: Disabled veterans' spouses -- Iran -- Diarries

شناسه افزوده: مجاوری، راضیه، ۱۳۶۴

شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان مرکزی

شناسه افزوده: کنگره ملی نقش امام خمینی (ره) در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۸ الف۹/ز۱۶۲۷ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۶۶۹۴۹

عنوان: سیاره چشمان او

تدوین و نگارش: فریبا انیسی

ناشر: ستارگان سرزمین آفتاب

مدیر پژوهش و تدوین: راضیه مجاوری

ویراستار: فاطمه سادات موسوی

کنترل ویرایش: راحله میرزایی

مصاحبه گر: زهرا محمدی، مینا قربانی و کیمیا هاشمی

طراحی جلد و صفحه آرایی: رحمت نبی زاده

نظارت کیفی و آماده سازی: علیرضا مرادی

کارشناس فنی: ابوالقاسم صفرزاده

نظارت بر چاپ: وحید صادقی

چاپخانه: چاپ هم کیشان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۳۲-۶۱۰۷-۱۹-۸

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۸

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

با حمایت: کنگره ملی نقش امام خمینی ره در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی

مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه روح الله استان مرکزی

اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان مرکزی

مرکز پخش: اراک-میدان امام حسین(ع)-مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس

سپاه روح الله استان مرکزی

تلفن: ۰۸۶-۳۳۲۶۶۰۸۳

نشانی سایت: www.shohud.ir

تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه روح الله

استان مرکزی می باشد.

	فهرست
۱۱	پیشگفتار
۱۵	اشاره...
۲۱	از زبان راوی
۲۵	فصل اول: کودکی
۳۵	فصل دوم: نوجوانی
۴۵	فصل سوم: انقلاب
۵۷	فصل چهارم: آغاز جنگ تحمیلی
۶۵	فصل پنجم: معلم شدم
۷۹	فصل ششم: دنیا تمام می‌شود؟
۸۳	فصل هفتم: ازدواج
۱۰۳	فصل هشتم: فروغ چشم‌هایش شدم ...
۱۱۱	فصل نهم: طوفان
۱۵۱	فصل دهم: عضو جدید خانواده
۱۶۹	فصل یازدهم: دختر دوم
۱۷۷	فصل دوازدهم: پسر من به دنیا آمد
۱۸۷	فصل سیزدهم: عبور از طوفان
۱۹۱	فصل چهاردهم: زندگی ادامه دارد
۲۱۱	فصل پانزدهم: مرد من
۲۲۳	فصل شانزدهم: لحظه‌های زیبای زندگی





پیشگفتار

پیشگفتار

به نام حضرت دوست

تاریخ پُرفراز و نشیبِ ملتِ بزرگ ایران، همواره با افتخارآفرینی و غیرتمندی قهرمانان این مرزوبوم آمیخته است. مادران این سرزمین، سال‌ها قصه‌های دل‌آورمردی قهرمانان پیشین، مانند میرزا کوچک خان جنگلی، ستارخان، باقرخان، امیرکبیر، رئیسعلی دلواری و... را با افتخار برای فرزندان خویش نقل می‌کردند و آرزویشان این بود که روزی فرزندانِ چنین بزرگ، پرورش دهند. آن‌گاه که سایه‌ی ظلم و ستمِ حکومت ستم‌شاهی بر سر این ملت سنگینی می‌کرد، ناگاه خورشیدی از سرزمین آفتاب، تأییدن گرفت و پس از سال‌ها مبارزه، طومار حکومت سیاهی را در هم پیچید.

مردی که فخر این سرزمین و فخر شیعه بود و تا قیام قیامت هم خواهد ماند، مردی که دم مسیحایی‌اش همگان را زندگی بخشید و آنها را به میدان مبارزه با ظلم و ستم و استبداد فراخواند تا اینکه بنای حکومت الهی را بنیان نهاد؛ حکومتی نوپا که چون خاری بود بر چشم استعمار، استبداد و سلطه. این شد که از هر سو مورد تهاجم کوردلان قرار گرفت و انتظار می‌رفت که با کینه‌توزی‌هایی چنین گسترده، این نظام نوپا ساقط گردد.

هزاران هزار جوانِ پرورش‌یافته‌ی مکتب عاشورا که دم مسیحایی امامشان، آنان را به جوش و خروش واداشته بود، به میدان مبارزه و جهاد شتافتند و هزاران رئیسعلی دلواری و کوچک جنگلی دیگر تجلی یافت تا هیچ‌گاه مادران این سرزمین برای قصه‌هایشان قهرمان کم نیابوند. شاعران در وصفشان بسریند، هنرمندان چهره‌هایشان را به تصویر بکشند، مورخان

تاریخشان را باز بنگارند و آیندگان به داشتن این قهرمانان بر خود ببالند. امروز که سال‌ها از دفاع جانانه و دلاورانه‌ی این ملت می‌گذرد، بر ماست که این قسمت از دفتر تاریخ ایشان را هر چه بیشتر بشناسیم و بشناسانیم و نگذاریم یاد و خاطره‌ی رشادت‌ها، دلاوری‌ها، ایثارگری‌ها و ... این قهرمانان به فراموشی سپرده شود. همان‌گونه که رهبر فرزانه انقلاب فرمودند: «امروز، فضیلت زنده نگه داشتن یاد شهدا، کمتر از شهادت نیست.»

در همین راستا، ستاد کنگره ملی نقش امام (رحمة الله علیه) در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی کوشیده است تا روزه‌ای بگشاید برای ورود به سیره و سبک زندگی ایثارگران و حماسه‌آفرینان تا نسل‌های آینده با تأمل در آن، به افتخارآفرینان خویش ببالند. این اثر تجلّی دهنده‌ی گوشه‌ای از فداکاری و رشادت‌های فرزندان «خطّه‌ی آفتاب» است. باری! بر خویش وظیفه می‌دانیم که ضمن ارج نهادن به تلاش همه‌ی فعالان این حوزه و آرزوی ارائه‌ی آثار بهتر در آینده، از شما خوانندگان گران‌قدر نیز سپاسگزاری کنیم و تقاضای همکاری و همفکری داشته باشیم.

با آرزوی عزّت، اقتدار و عظمت روزافزون ایران اسلامی.

دبیر کل کنگره ملی نقش امام خمینی (رحمة الله علیه)

در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی

سرتیپ دوم پاسدار محسن کریمی



اشاره

اشاره...

انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی^(ره) در سال ۱۳۵۷ سرآغاز حرکتی جهانی در تاریخ معاصر شد که ایجاد (تشکیل) تمدن نوین اسلامی (حکومت اسلامی) را چشم انداز خود قرار داده است. تمدنی که قطعاً بدون نقش آفرینی نیمی از جامعه؛ یعنی بانوان این سرزمین، محقق نخواهد شد.

وقتی در جامعه ای تعداد زیادی بانوی مؤمن، اهل علم و معرفت تربیت شود؛ چندان عجیب نخواهد بود که نقش آن‌ها در مبارزه با کفر و جهالت و دفاع از اسلام و نظام، بسیار پررنگ باشد و مورد تقدیر بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی خمینی کبیر(ره) قرار گیرد. آن چنان که امام راحل(ره) در پیامی به مناسبت میلاد باسعادت حضرت زهرا(س) رضیه (سلام الله علیها) در مورد بانوان فداکار و ایثارگر فرمودند: «چه افتخاری بالاتر از اینکه زنان بزرگوار ما در مقابل رژیم ستمکار سابق و پس از سرکوبی آن در مقابل ابرقدرت‌ها و وابستگان آنان در صف اول ایستادگی و مقاومت از خود نشان داده اند... مقاومت و فداکاری این زنان بزرگ در جنگ تحمیلی آنقدر اعجاب آمیز است که قلم و بیان از ذکر آن عاجز، بلکه شرمسار است.»^۱

قطعاً حضور علمی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بانوان مسلمان هیچ تعارضی با نقش همسری و مادری آن‌ها ندارد؛ زیرا بانوی مسلمان علاوه بر مسئولیت داشتن در نقش‌های خانوادگی، نسبت به امور اسلام و مسلمین هم مسئول است. چنانچه رهبر معظم انقلاب به این نکته اشاره کرده و

۱. صحیفه امام، جلد ۱۶، ص ۱۹۴، مورخ ۲۵ فروردین ۱۳۶۱ ش.

نسبت به وظایف علمی، فرهنگی، سیاسی و... بانوان توجه داشته و فرموده اند: «امروز شما زنان، سنگربان ارزش‌های اسلامی در مقابل وضع جاهلی دنیای غرب هستید. شما هستید که دارید از این حصار مستحکم فرهنگ اسلامی محافظت می‌کنید. در علم، در فرهنگ، در سیاست و در همه چیز، زن باید پرورش اسلامی پیدا کند. در میدان‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و همه جا برود و پیشتاز باشد.»^۲

ایشان همانگونه که نقش همسری و مادری را برای زن بی بدیل و بدون جایگزین می‌دانند، نقش اجتماعی و سیاسی او را بی بدیل و منحصر به خود زن می‌دانند و قائل به حضور مستقیم و فعال بانوان در همه عرصه‌ها می‌باشند.

تاریخ درخشان هشت سال دفاع مقدس صحنه بی بدیلی از ایثارگری مردان و زنان مؤمن این سرزمین است و ثبت این قهرمانی‌ها لازم و ضروری است. در این میان توجه به نقش «بانوان ایثارگر» در انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، برای ارائه الگوی عینی و ملموس به نسل‌های امروز و فردا در عرصه جهاد با طاغوتیان و استکبار بسیار پر اهمیت است و لذا باید در ثبت و ضبط این نقش آفرینی‌های قهرمانانه اهتمام ویژه‌ای داشت. به این معنا که ابتدا با خاطره‌نگاری و سپس ثبت دقیق و تبیین آن به زبانی روان و مطلوب برای مخاطب؛ با جاذبه‌های هنری دریافت آن را برای نسل جدید تسهیل نمود.

۲. فرهنگ و عرصه فرهنگی - اصول، مبانی، ضرورتها و مسئولیتها از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی - موسسه فرهنگی، هنری قدر ولایت، چاپ اول ۱۳۸۸ ش، صفحات ۲۹۱ و ۲۹۲ - پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۶۹ ش.

اما از آنجا که بانوان این سرزمین قرار است در راه تمدن سازی نوین اسلامی و جهاد با طاغوتیان و استکبار جهانی، الگویی برای همه بانوان جهان باشند، لازم است که اهتمام ویژه ای نسبت به ثبت و تدوین این بخش از تاریخ دفاع مقدس صورت پذیرد.

بر همین اساس مقام معظم رهبری در پیامی که در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۹۱ به کنگره هفت هزار زن شهید کشور فرستادند، ضمن اشاره به اسوه بودن حضرت خدیجه، حضرت زهراى مرضیه و زینب کبری (علیهن السلام) فرمودند: «زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود و درعین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز سنگر‌سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. زنانی که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت درآمیختند و مردانه‌ترین میدان‌ها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند.»^۳ و این تعریف، دقیقاً همان نتیجه آثار حضور سیاسی و اجتماعی بانوان مسلمان ایران در پیشبرد اهداف جامعه آرمانی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

۳. پیام به کنگره ۷۰۰۰ شهید زن کشور در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۹۱ ش.

کمیته بانوان کنگره ملی نقش امام خمینی (ره) در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی؛ بنا بر باور عمیقی که برای عمل به رسالت خود در راستای معرفی الگوی زن مسلمان مجاهد ایرانی و جهانی سازی آن دارد؛ تاریخ حضور، خاطرات و آثار بانوان ایثارگر استان مرکزی را با دقت و در قالب تاریخ شفاهی از ابتدای سال ۱۳۹۴ تا سال ۱۳۹۷ جمع آوری، ثبت و تدوین نموده و در مرحله بعد، این داده‌های تاریخی را با حفظ بُعد تاریخی حوادث، در قالب‌های مختلف و با زبانی ساده و روان به مرحله چاپ رسانده است.

امید است این اثر در مسیر عمل به تکلیف، ادای دینی باشد به تمامی بانوان مجاهد استان مرکزی، که مردانه قدم در میدان عمل نهادند و با لبیک به دعوت امام خمینی (ره)، نقشی شایسته ایفا کردند. از خدای متان مسئلت داریم که تلاش‌هایمان را به عنایت خود برکت بخشد و این کوشش، مورد رضایت حضرت ولیعصر (عج) و نایب بر حق ایشان امام خامنه‌ای (مدظله العالی) باشد. همچنین ادامه این نهضت جریان ساز، مشمول ادعیه نورانی حضرت ولی امر مسلمین قرار گیرد. از خوانندگان محترم درخواست می‌شود با ارائه نقطه نظرات و پیشنهاد‌های سازنده خود، ما را در راستای ارتقاء کیفیت آثار بعدی، یاری نمایند.

مسئول کمیته بانوان کنگره ملی نقش امام خمینی (رحمة الله علیه)

در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی

راضیه مجاوری



از زبان راوی

از زبان راوی

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند؟ فرزند و عیال و خانمان را چه کند؟
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه‌ی تو هر دو جهان را چه کند؟


قصد داشتم درباره زندگی و فراز و فرودهای بی‌انتهایش بنویسم؛ اما آن قدر سیاهی در نوشته‌هایم بود که ترسیدم نقش آن در اذهان به‌خصوص در ذهن فرزندانم مایه بدبینی آنها نسبت به زندگی و اطرافیان شود. شاید خیلی از فراز و فرودهایی که خدا در زندگی ام رقم زد، به واسطه‌ی آدم‌هایی بود که خداوند، ستارانه آبرویشان را حفظ کرد و معتقدم من بنده باید شرم کنم از آبروبری؛ اما در پس همه‌ی این اتفاقات خدا را می‌دیدم و می‌دانستم حواسش به من هست. می‌خواستم این رازها را همچنان سر به مهر نگه دارم اما به این باور رسیده‌ام که از این راه باید گفت...

خاطرات زیادی دارم. بدی‌ها را می‌گویم و خوبی‌ها را؛ اما بدی‌ها را کم
گفتم تا دلتان نگیرد.

شاید برخی تصور کنند روایت زندگی با یک فرد جانباز دیگر زمانش
گذشته زیرا دیگر با جانبازان در این برهه‌ی زمانی روبرو نیستیم؛ اما آمار
طلاق در میان جوانان نشان می‌دهد که گفتن از صبر و تحمل در این
راه که به‌نوعی در زندگی همه‌ی انسان‌ها وجود دارد، چندان بی‌فایده هم
نخواهد بود.

من قدم در راهی گذاشتم که با تمام وجود انتخابش کرده بودم اما
زندگی همیشه آن‌طور که تصور می‌کنیم پیش نمی‌رود.
برای آنکه روایت زندگی‌ام را بیان کنم، کلیه اسامی و نام‌ها را تغییر دادم،
اما اصل را بر بیان واقعیت و درستی مطالب گذاشتم. امید دارم که بیان این
تجربیات بتواند کمک اندکی باشد برای داشتن دنیایی بهتر.
می‌خواهم قفل سینه‌ام را بگشایم و رمز و رازهایش را به زبان آورم.
همچون پروانه‌ای که سر از پیله درمی‌آورد؛ می‌خواهم پرواز کنم. من پرواز
با بال شکسته را خوب بلدم...

همسر جانباز / فروغ



فصل اول: کودکی

فصل اول: کودکی

پدر بزرگم ساکن روستا بود، روستایی که مردمش در دامنه کوه شهباز به سرسختی و سخت کوشی معروف بودند. وضع زندگی در روستا سخت شده بود. خان و خان بازی امان مردم را بریده بود. ارباب ورعیتی چنان فشاری بر روستاییان وارد می کرد که مردم را مستأصل کرده بود. شبانه روز زحمت می کشیدند اما سهم ارباب آن قدر زیاد بود که به نان شبشان هم محتاج بودند. به خاطر همین پدر بزرگم دست زن و بچه را گرفت و چهل کیلومتر آن طرف تر بار زندگی را پایین گذاشت. مأمور ثبت احوال را همان روزها دید که می خواست برایشان شناسنامه صادر کند. هویتش را تثبیت کرد. آن طوری که نشان بدهد ما مهاجریم و به شهر آمده ایم. پدر بزرگ با سرمایه اندکش مغازه گچ فروشی در خیابان ملک برپا کرد.

مادر بزرگم (بی بی) تعریف می کرد زمانی که پدرم هفده ساله بوده از آبادی بالا محله به سمت روستا می آمده که در میانه راه در سرما و طوفان گیر می کند. در آن سرمای سخت، گرگ های گرسنه به او حمله می کنند و او به سختی از دست آن ها فرار می کند. اثر پنجه های گرگ روی بدن و گوش شکسته اش را همیشه می دیدم. بی بی چنان با سوز این ماجرا را تعریف می کرد که اشک ما را هم درمی آورد. آنچه در ذهن ما از این داستان برجا ماند، جنگیدن پدر بود برای بقا و زندگی. پدرم با گرگ درافتاده بود تا بره نباشد و ظلم نپذیرد.

پدرم چند سال از شهری به شهر دیگر دنبال شغل و درآمد ثابتی می گردد اما موفق نمی شود کار درستی برای خودش دست و پا کند به همین خاطر